

مدرسه بدون علی

اگر همه چیز مثل همیشه پیش می‌رفت اصلاً قرار نبود کسی نامش را بدانند، چه رسد به اینکه وزرا و روسای سازمان‌های مختلف بخواهند به خانواده‌اش تسلیت بگویند. علی لندی، نوجوان 15 ساله اهل ایزه خوزستان باید مثل میلیون‌ها دانش‌آموز دیگر این روزها در پی این می‌بود که مدرسه را یا از طریق شاد دنبال کند یا اینکه شرایط برای رفتن و نشستن سر کلاس مهیاست؟ اما آنچه روز 18 شهریور ماه رخ داد هم نامش و بعد چهره‌اش را به مخاطبان خبرها شناساند و هم سبب شد که عاقبت درست یک روز پیش از آغاز سال تحصیلی خبر برسد که علی لندی، نوجوان فداکار ایزه‌ای آسمانی شد.

«۱۸ شهریورماه بود. پنجشنبه صبح علی به خانه خاله‌اش رفت. همبازی پسرخاله و دخترخاله‌اش است. معمولاً با هم بازی می‌کنند. تا غروب در خانه خاله بود. خاله و شوهرخاله‌اش در خانه نبودند. سر کار می‌روند. در حال بازی بودند که صدای فریاد زن همسایه، علی را به آپارتمان روبه‌رویی می‌کشاند. مادر ۸۰ ساله‌ای به همراه دخترش در خانه تنها بودند. گاز پیک‌نیکی را روشن کرده بودند اما پیک‌نیکی گویا نشتی داشته است. شعله‌ور می‌شود. همان موقع بود که علی صدای فریادهای زن همسایه را می‌شنود. بی‌محابا برای کمک می‌رود.» این توصیف واقعه از زبان داود لندی، پدر علی بود که ماجرا را در گفت‌وگو با روزنامه شهروند شرح داده بود. تا نیروهای امداد برسند علی خودش جدی‌ترین مصدوم حادثه شده بود. او پس از اقدامات اولیه در بیمارستان طالقانی اهواز برای سیر مراحل درمان خود به بیمارستان امام موسی کاظم(ع) اصفهان اعزام شد. روز قبل خبر رسید که علی نوجوان بر اثر جراحات وارده و سوختگی بالای 80 درصد جان باخته است. سیل پیام‌های تسلیت از سوی معاون اول رئیس‌جمهور و سرپرست آموزش و پرورش و وزیر بهداشت و هلال‌احمر و غیره سرازیر شده. علی جان‌ش را برای نجات جان‌های دیگر گذاشت و حالا جایش در مدرسه خالی است.